

## شکست های بزرگ اتحادیه عرب



اسلام ذوالقدرپور

کارشناس مسائل بین الملل

سیاستگذاری خارجی میدان شکل گیری باورها، آرمان ها و تقابل بازیگران در این میدان برای کسب مشروعیت داخلی و پرستیژ بین المللی است. پیدایش باورها و انگاره هایی که گاه تبدیل به آرمان عمومی یا هدف والای یک دولت یا ملت شده و زیربنای سیاستگذاری درازمدت یک بازیگر قرار می گیرد و گاهی نیز تنها برای چند سال یا حداکثر یک دهه دوام خواهد داشت. بنای سیاستگذاری خارجی بر یک انگاره تقابلی در نظام جهانی آن هم در طیف دشمنی مطلق نمی تواند فرآیندی عقلانی قلمداد شود. دشمنی مطلق و دائمی دانستن دشمنی یا دشمنان در روابط خارجی و روابط بین المللی، رویکردی است که در تاریخ دیپلماسی و سیاستگذاری خارجی نیز پیشنهاد نشده و آسیب زا دانسته شده است. همان گونه که لرد پالمستون، نخست وزیر و سیاستمدار مشهور انگلیس در قرن ۱۹ می گوید: «ما هیچ متحد ابدی نداریم و هیچ دشمن همیشگی نداریم. منافع مابدی است و این منافع وظیفه ماست که از آنها بیروی کنیم.» دوستی مطلق یا دشمنی مطلق در سیاستگذاری خارجی به معنای اصرار بر یک روند از سبزی برهنه است که هیچ سودی برای بازیگر ندارد و در نهایت زبانی بزرگ بر بازیگر وارد می کند و شاید فروپاشی یک آرمان به معنای فروپاشی یک دولت را به دنبال داشته باشد. انگاره های سیاست خارجی بسیاری بازیگران نظام جهانی دارای ماهیت موقت و احساسی هستند، اما در روابط بین الملل مانند یک رکن اساسی سیاستگذاری و ماهیت بنیادین یک دولت جلوه می کند. این گونه انگاره ها و آرمان هادر یک فضای احساسی و تقابلی شکل می گیرند و بر پایه آرزوی نابودی رقیب یا دشمن استوار می شوند. میان جهان عرب در نزدیک به هشت دهه اخیر دو آرمان بزرگ با ماهیت احساسی شکل گرفته که هر دو نیز در نهایت با شکست روبرو شده است. دو آرمانی که سنگ بنای سیاستگذاری جهان عرب و اتحادیه عرب بوده و هزینه های بسیاری نیز برای آن پرداخت شده است؛ نخست: آرمان فلسطین و آزادی قدس؛ دوم: آرمان سوریه و سرنگونی دولت اسد تکلیف آرمان فلسطین و آزادی قدس با چند موج سازش و عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل به خصوص آخرین موج آن یعنی پیمان ابراهیم از سال 2020 روشن شده است و این آرمان جهان عرب به فراموشی سپرده شد. فروپاشی یا شکست آرمان دوم با محوریت اتحادیه عرب یعنی سرنگونی دولت بشار اسد، در محورهای زیر قابل تفسیر است؛ نخست: آرزوی سرنگونی دولت سوریه؛ اگرچه بهار عربی از تونس، یا خودسوزی و مرگ محمد بوعلیزوی در 2010 شروع شد به مصر، لیبی و... نفوذ کرد و سرنگونی برخی دولت های خودکامه مانند دولت زین العابدین بن علی، ممر قذافی و حسنی مبارک را به دنبال داشت، اما اعتراضات اولیه سوریه در ژانویه 2011 که خیلی زود به آشوب و بلکه جنگ فراگیر داخلی و خارجی تبدیل شد، پدیده ای فراتر از بهار عربی را نمایان ساخت. تغییر موضع بیشتر کشورهای جهان عرب و همسایگان سوریه با دوستی با دولت بشار اسد به دشمنی شدید با دولت وی را می توان مؤلفه بارز تمایز تحولات سوریه با تحولات بهار عربی دانست. تمایزی که در آرزو و تلاش عملی بسیاری از سران عرب برای سرنگونی دولت بشار اسد نهفته بود. تغییر فوری موضع ایران برخی کشورهای عربی و اسلامی مانند عربستان، قطر، امارات، ترکیه و بحرین... ترکیه و به ویژه جنبش حماس چنان شگفت نشان می داد که گویا دولت اسد دشمن دیرین و شاید اسرائیل برای اعراب باشد! اعتراضات و آشوب هایی که به جنگ داخلی متمایل شد و خیلی زود به یک جنگ منطقه ای بزرگ در یک قلمرو کوچک با مرزهای مشخص اما دارای اتزگذاری ژئوپلیتیک فراگیر تبدیل شد، مؤلفه ای از جنگ قدرت و هژمونی منطقه ای بازیگرانی بود که تلاش داشتند تا با سرنگونی دولت بشار اسد، قدرت راهبردی ایران و محور مقاومت به خصوص حزب... لبنان و عراق را محدود و سرکوب کنند. در این جنگ قدرت، دوستان سابق دولت بشار اسد مانند دولت رجب طیب اردوغان و حتی جنبش حماس نیز در کنار سایر دولت های عرب منطقه به سرنگونی دولت قانونی سوریه امید داشتند. امید کشورهای عربی و ترکیه به دخالت غرب به ویژه ناتو در تحولات سوریه و علیه دولت قانونی این کشور بود تا با پشتوانه دولت های سیاسی غرب و ایالات متحده آمریکا بتوانند با کمترین پیامدهای سیاسی در جهان عرب به بهانه حمله کشورهای عربی به یک دولت عربی، دولت بشار اسد را سرنگون کنند. دولت یا ساختارهای امارات شام را جایگزین آن نمی کنند. درخواست ها و تلاش های مکرر سران عربی و ترکیه برای دخالت نظامی مستقیم ناتو و غرب در تحولات سوریه و سرنگونی دولت اسد هرگز نتوانست سیاستگذاران غربی را به دخالت مستقیم در جنگ سوریه راضی کند. در حالی که اعراب با اخراج سوریه (تعطیل عضویت) از اتحادیه عرب در سال 2011، آرزوی سرنگونی دولت بشار اسد را داشتند، ناتو و ایالات متحده به این آرزوی اعراب و ترکیه چندین بار پشتوانه نمودند دوم؛ اتحاد منطقه ای برای سرنگونی بشار اسد؛ در حالی که همه کشورهای جهان عرب درگیر اعتراضات و آشوب بهار عربی البته با درجه های متفاوت بودند، تمرکز ویژه ای بر تحولات سوریه وجود داشت. تمرکزی که از سوی کشورهای همسایه و برخی کشورهای عربی هدایت شده و هدف آن نیز سرنگونی دولت قانونی سوریه بود. تمرکز بازیگران منطقه ای بر تحولات سوریه با رویکرد سرنگونی دولت بشار اسد، شکل گیری ائتلاف منطقه ای بزرگی علیه سوریه را سبب شد. همبستگی بزرگ با اعضای گوناگونی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، اردن، بحرین، ترکیه، اسرائیل و مصر به رهبری محمد مرسی که بر یک هدف راهبردی اشتراک نظر داشتند و آن هم سرنگونی دولت بشار اسد و دگرگونی ساختار قدرت در سوریه به سود منافع و انگاره های ضد ایران، در تعیین وضعیت از اتحاد منطقه ای علیه دولت بشار اسد بود که تعلیق و اخراج دولت سوریه از ساختارهای بین المللی و منطقه ای مانند اتحادیه عرب در دستور کار اعراب قرار گرفت، پذیرش و تشویق سایر بازیگران ضد سوریه را کسب کرد. اتحاد محور عربی، عبری و ترکی علیه دولت سوریه و حمایت آنان از جنگ و تجزیه سوریه که بیشتر با محور اهداف و انگاره های تاریخی ترکیه و اسرائیل نباشد بود، با هزینه سیاسی و اقتصادی فراوانی برای بازیگران عرب این اتحاد همراه بود که هویت عربی خود را فدای منافع راهبردی اسرائیل و ترکیه کردند. سوم؛ بازگشت اعراب به آغوش بشار اسد؛ با گذشت یک دهه از جنگ ژئوپلیتیک در سوریه و بازگشت دولت بشار اسد از لبه پرتگاه فروپاشی کامل یا سرنگونی نهایی به وضعیت ثابت و اقتدار نسبی داخلی، سیاست آرزوی سرنگونی دولت سوریه در میان سیاستگذاران منطقه ای نیز امکان ناپذیر شد.

رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در گفت و گو با «آرمان ملی»:

## برنامه اقتصادی صادقانه مردم را پای صندوق های رأی می آورد

کандیداهای ریاست جمهوری باید برنامه راهبردی

برای عبور از مشکلات اقتصادی داشته باشند

رئیس جمهور آینده کشور با مافیای خودرو

برخورد کند



آرمان ملی - احسان انصاری: مهم ترین مطالبات اقتصادی مردم از رئیس جمهور آینده کشور چیست؟ کاندیدای انتخاباتی تاکنون چه برنامه های راهبردی برای حل مشکلات اقتصادی کشور ارائه داده اند؟ آیا برنامه های ارائه شده قابلیت اجرایی شدن دارد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر محمد رضا سبزیعلیپور، رئیس مرکز تجارت جهانی ایران گفت و گو کرده است. سبزیعلیپور معتقد است: «همکاران رئیس جمهور نقش بسیار مهمی در موفقیت برنامه های دولت ایفا می کنند، به

در سال های اخیر اقتصاد کشور تحت تأثیر تحریم های بین المللی بوده است. در چنین شرایطی رئیس جمهور آینده چگونه می تواند در راستای کاهش و یا لغو تحریم ها حرکت کند؟

اقتصاد هر کشوری بر ۲ ستون و بر ۲ محور استوار است و آن دو ستون عبارتند از: فروش یا صادرات و خرید یا واردات و در همین راستا، هرچه فروش و صادرات کشورمان بیشتر از واردات مان باشد، نشان دهنده مثبت بودن تراز تجاری و قدرتمند بودن اقتصادمان است. با این وجود به دلیل اعمال تحریم های خارجی و همچنین موانع داخلی و بی توجهی دولت و مسئولین دستگاه های ذریع به صادرکنندگان، انجام صادرات و فروش کالای تولید داخل به خریداران خارجی، سخت و دشوار و تقریباً در حد شعبده بازی است.

در نتیجه این سوال مطرح است که برنامه دولت آینده جهت رفع موانع صادرات و حمایت از صادرکنندگان و همچنین رونق تجارت خارجی چیست و در جهت کاهش قاچاق کالاهای خارجی به کشور و نظم و انضباط واردات و آزادی عمل واردکنندگان در واردات کالاهای مجاز چه اقداماتی را در نظر می گیرید؟

در شرایط کنونی سوال بسیار مهمی که همواره در ذهن صاحب نظران و مردم عزیزمان وجود دارد که آیا افزایش نرخ ارز باعث افزایش نرخ تورم می شود یا بالعکس؟ تصور عده ای این است که راهکار کاهش پایدار نرخ تورم، تثبیت نرخ ارز است.

برخی دیگر اما معتقدند که تغییرات نرخ ارز معلول تغییرات نرخ تورم است و تا زمانی که ریشه های تورم خشکانده نشود، افزایش نرخ ارز ادامه دار خواهد بود. ضمناً نایسامانی بازار ارز و چند نرخ بودن ارزهای خارجی یکی از موانع بسیار بزرگ بر سر راه سرمایه گذاری خارجی و همچنین بلامتکلیفی بازار در تجارت و خرید و فروش کالا است.

به همین دلیل کاندیداهای ریاست جمهوری باید صریح و روشن مشخص کنند که از دیدگاه آنها نرخ ارز باعث افزایش نرخ تورم می شود یا اینکه افزایش نرخ تورم موجب گرانی و جهش نرخ ارزهای خارجی می شود؟ در ضمن دولت آینده چه برنامه ای برای افزایش درآمد های ارزی کشورمان دارد و آیا در دولت آینده نرخ ارزهای معتبر به یک ثبات نسبی خواهد رسید یا نه؟ این در حالی است که ثبات نرخ ارز و پرهیز از چند نرخ بودن ارزهای خارجی امری بسیار مهم برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی و همچنین رشد و توسعه اقتصاد و مبادلات تجاری است. اینها سوالات کلیدی است که درباره رئیس جمهور آینده وجود دارد و کاندیداهای انتخاباتی برای تشویق مردم برای حضور در انتخابات باید به این سوالات پاسخ بدهند.

به نظر شما برنامه رئیس جمهور آینده در مورد بازار خودرو به چه رویکردهای را باید منظر داشته باشد؟

این سوال مهمی است. در سال های اخیر یکی از معضلاتی که با روح و روان مردم بازی کرده گرانی و بی کیفیتی خودروهای داخلی و همچنین خدمات نامناسب بعد از فروش آنهاست که ظاهراً تاکنون هیچ دولتی حریف خودروسازان بی کیفیتی و گرانفروشی نشده است. به همین خاطر، مردم از گروه قدرتمندی که در برابر ارزانی و ارتقای کیفیت خودرو و همچنین واردات خودروهای خارجی مانع ایجاد و مقاومت می کنند، با نام مافیای خودرو یاد می کنند. به همین دلیل باید مشخص شود رئیس جمهور آینده چه برنامه ای در این زمینه دارد. نکته دیگر اینکه تعدادی از فعالان بزرگ اقتصادی و صاحبان صنایع کشورمان به دلیل مشکلات اقتصادی و یا به دلیل بدهی بانکی، با شکایت بانک ها در زندان ها به سر می برند و کارخانجات آنان توسط بانک ها مصادره و یا تعطیل شده است. این در حالی است که جهش تولید و قدرتمند شدن اقتصاد کشورمان با زندانی کردن فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان محقق نمی شود و برعکس روز به روز، چرخ تولید و اقتصاد از حرکت می ایستد. به همین دلیل دولت آینده باید مشخص کند چه سیاست و برنامه ای را با همکاری قوه قضائیه در جهت پیکیری و شکلات و آزادی فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان از زندان ها در دستور کار دارد و آیا پیگیر احیای کارخانجات تعطیل شده و بازگرداندن کارخانجات مصادره شده توسط بانک ها به صاحبان آنها دارد یا خیر.

مهم ترین موضوعی که می تواند فضای انتخابات را گرم کند، صداقت و برنامه درست کاندیدها است، وگرنه وعده های پوچ و تخریب همدیگر، هرگز موجب افزایش رأی دهندگان نخواهد شد و مردم را از شرکت در انتخابات دور می کند. پس همه کاندیدها باید وعده های درست و قابل تحقق و همچنین برنامه های درست و انجام شدنی خود را صادقانه به مردم ارائه دهند تا مشارکت مردم در این انتخابات را هر لحظه بیشتر کنند

مهم ترین موضوعی که می تواند فضای انتخابات را گرم کند، صداقت و برنامه درست کاندیدها است، وگرنه وعده های پوچ و تخریب همدیگر، هرگز موجب افزایش رأی دهندگان نخواهد شد و مردم را از شرکت در انتخابات دور می کند. پس همه کاندیدها باید وعده های درست و قابل تحقق و همچنین برنامه های درست و انجام شدنی خود را صادقانه به مردم ارائه دهند تا مشارکت مردم در این انتخابات را هر لحظه بیشتر کنند.

یکی از چالش های اصلی اقتصاد ایران نوسان قیمت ارز و تأثیرگذاری آن روی ساخت های دیگر اقتصادی کشور بود. رئیس جمهور آینده باید چه رویکردی نسبت به این موضوع داشته باشد؟

در شرایط کنونی سوال بسیار مهمی که همواره در ذهن صاحب نظران و مردم عزیزمان وجود دارد که آیا افزایش نرخ ارز باعث افزایش نرخ تورم می شود یا بالعکس؟ تصور عده ای این است که راهکار کاهش پایدار نرخ تورم، تثبیت نرخ ارز است.

برخی دیگر اما معتقدند که تغییرات نرخ ارز معلول تغییرات نرخ تورم است و تا زمانی که ریشه های تورم خشکانده نشود، افزایش نرخ ارز ادامه دار خواهد بود. ضمناً نایسامانی بازار ارز و چند نرخ بودن ارزهای خارجی یکی از موانع بسیار بزرگ بر سر راه سرمایه گذاری خارجی و همچنین بلامتکلیفی بازار در تجارت و خرید و فروش کالا است.

به همین دلیل کاندیداهای ریاست جمهوری باید صریح و روشن مشخص کنند که از دیدگاه آنها نرخ ارز باعث افزایش نرخ تورم می شود یا اینکه افزایش نرخ تورم موجب گرانی و جهش نرخ ارزهای خارجی می شود؟ در ضمن دولت آینده چه برنامه ای برای افزایش درآمد های ارزی کشورمان دارد و آیا در دولت آینده نرخ ارزهای معتبر به یک ثبات نسبی خواهد رسید یا نه؟ این در حالی است که ثبات نرخ ارز و پرهیز از چند نرخ بودن ارزهای خارجی امری بسیار مهم برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی و همچنین رشد و توسعه اقتصاد و مبادلات تجاری است. اینها سوالات کلیدی است که درباره رئیس جمهور آینده وجود دارد و کاندیداهای انتخاباتی برای تشویق مردم برای حضور در انتخابات باید به این سوالات پاسخ بدهند.

کاندیداهای ریاست جمهوری باید صریح و روشن مشخص کنند که از دیدگاه آنها نرخ ارز باعث افزایش نرخ تورم می شود یا اینکه افزایش نرخ تورم موجب گرانی و جهش نرخ ارزهای خارجی می شود؟ در ضمن دولت آینده چه برنامه ای برای افزایش درآمد های ارزی کشورمان دارد و آیا در دولت آینده نرخ ارزهای معتبر به یک ثبات نسبی خواهد رسید یا نه؟

## اهرم های چین

## برای دور زدن آمریکا

در سال های اخیر، روابط تهران و پکن رشد چشمگیری را تجربه کرده است. گروهی مدعی اند خروج ایالات متحده از توافق هسته ای با ایران که از آن تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک «برجام» نیز یاد می شود و اعمال تحریم های سختگیرانه علیه ایران در سال ۲۰۱۸ یکی از عوامل نزدیکی ایران به روسیه و چین است. سال ۲۰۲۱، پکن و تهران توافقنامه ۲۵ ساله ای را برای تقویت روابط اقتصادی و استراتژیک بین دو کشور امضا کردند که از آن به عنوان «مشارکت راهبردی جامع» یاد می شود. چین ذیل این توافق برای سرمایه گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری در مدت ۲۵ سال به ایران متعهد شد.

## چرایی نزدیکی ایران به چین

در دوران ریاست ابراهیم رئیسی که اخیراً در حادثه تلخ سقوط بالگرد شهید شد، ایران با تمرکز بر روابط اقتصادی نزدیکتر با بازیگران آسیایی رویاروی غرب قرار گرفت. گروهی از تحلیلگران از این سیاست تحت عنوان استراتژی «نگاه به شرق» یاد کرده اند؛ استراتژی که در دوران ریاست روسای جمهوری پیشین ایران نیز در مورد توجه قرار داشت اما در دولت سیزدهم بخشی از اولویت ها دستگاه دیپلماسی ایران بود. به ادعای ژئوپلیتیکس، ابراهیم رئیسی به واسطه رویکرد عملگرایانه و نیاز به بازتعریف سیاست خارجی ایران بر اساس نظم جهانی در حال تغییر که در قابض غرب در حال افول است، نگاه به شرق را برجسته کرد. در این چارچوب توافق مارس ۲۰۲۳ بین ایران و عربستان سعودی با میانجی گری چین نیز به عنوان شاخص قدرتمند یاد می شود که با استناد بدان می توان میزان نفوذ پکن در خاورمیانه را درک کرد. به واسطه این توافق، ریاض و تهران پس از یک دوره ۷ ساله تنش، روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفتند. همچنین لازم به ذکر است که ایران عضو گروه هایی چون بریکس شده، اتحادیهایی که با زیربنای چین برزیل، روسیه، چین و آفریقای جنوبی در آن حضور دارند، تحت رهبری و نفوذ چین هست و دلارزدایی و مقابله با سلطه غرب در اولویت برنامه هایش قرار دارد. ابراهیم رئیسی در آگوست ۲۰۲۳ هنگام سخنرانی در اجلاس بریکس در ژوهانسبورگ گفت: «ایران قاطعانه از تلاش های بریکس برای دلارزدایی با استفاده از ارزهای ملی و تقویت مکانیسم های این بلوک برای پرداخت و معاملات مالی حمایت می کند». به دسامبر ۲۰۲۳ ایران قراردادی تجاری با روسیه امضا کرد که به واسطه اش قرار بر آن است که معاملات با ارزهای محلی انجام شود.

## روایت ها از نفوذ چین در خاورمیانه

با گسترده تر شدن ابعاد درگیری ها در خاورمیانه، ایالات متحده از چین خواست تا با استفاده از اهرم خود یعنی نزدیکی به ایران، حملات انصار... به دریای سرخ را متوقف کند. انصار... یمن با آغاز جنگ در غزه، کشتی های اسرائیلی یا کشتی هایی به مقصد سرزمین های اشغالی را هدف حملات پهپادی و موشکی شان قرار می دهند؛ گزاره ای که تجارت جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. در همین چارچوب گروهی مدعی اند که چین به ایران گفته بود که در صورت تداوم حملات به دریای سرخ، روابط اقتصادی دو بازیگر ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرد، اما این ادعایی است که مقام های تهران و پکن هنوز تأیید نکرده اند. بلاخض آنکه ایران همیشه تأکید دارد که از رویکرد گروه های مقاومت حمایت می کند اما در فعالیت های آن نقشی ندارد. شواهد نشان می دهد نفوذ چین در خاورمیانه افزایش یافته و متعاقباً روابط این بازیگر با ایران عمیق تر شده است. به ادعای ژئوپلیتیکس در حوزه اقتصادی چند مؤلفه قابل توجه است، نخست، چین مقادیر زیادی نفت از ایران خریداری می کند. از زمان امضای توافقنامه مشارکت استراتژیک جامع ۲۵ ساله ایران و چین در سال ۲۰۲۱، سرمایه گذاری چین در ایران ۱۸۵ میلیون دلار برآورد شده است. آمارهای اخیر نشان می دهد که ایران سی و هشتمین شریک تجاری چین است و تجارت دو جانبه شان ۳۲ میلیارد دلار برآورد شده است. شی چین پینگ، رئیس جمهور چین در جریان سفر خود به ایران در سال ۲۰۱۶، ۲۰ ها پس از امضای برجام، با رهبران ایران در باب تقویت روابط اقتصادی دو جانبه توافق کرده بود و قرار بر آن بود دو کشور تجارت دو جانبه را تا سال ۲۰۲۶ به ۶۰۰ میلیارد دلار برسانند. با این همه آنگونه که ژئوپلیتیکس مدعی است، به واسطه تحریم های اعمالی علیه ایران یا هرگزاره دیگر، تجارت چین با سایر کشورهای خاورمیانه - به ویژه عربستان سعودی (۱۰۷ میلیارد دلار) و امارات (۹۵ میلیارد دلار) بسیار بیشتر از تجارت این کشور با ایران است. گروهی مدعی اند پکن به واسطه هراس از تحریم های آمریکا رویکرد محتاطانه ای را در ارتباط با ایران تعریف کرده است. به ادعای ژئوپلیتیکس، در این میان مؤلفه دیگری که باید لحاظ شود نگاه بدبینانه گروهی از تحلیلگران به توافق نامه استراتژیک میان ایران و چین است. گروهی مدعی اند که پکن بدین طریق تلاش دارد تا نفوذش را در خاورمیانه برجسته تر کند. در حالی که برخی از گزاره ها روابط تهران و پکن را تحت تأثیر قرار داده، محدودیت هایی برای همکاری اقتصادی بین پکن و تهران وجود دارد. در همین راستا گروهی مدعی اند، پیوندهای اقتصادی چین با ایران در سال های اخیر محدود بوده است.

چین به تعهدات خود در زمینه سرمایه گذاری در ایران عمل نکرده است. در حالی که پکن مقادیر زیادی نفت از ایران خریداری کرده، تجارت دو جانبه نسبتاً پایین بوده است.